

جنايات جنگی و جنايات عليه بشریت عربستان سعودی

در یمن از منظر حقوق بین الملل

دکتر حسین رستم‌زاد، مجتبی ابراهیمی^۲

چکیده

در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ائتلافی متشکل از برخی دولت‌های عربی به رهبری عربستان سعودی، حملات هوایی خود را با نام عملیات توفان قاطعیت علیه یمن آغاز کردند. سعودی‌ها و ائتلاف تحت رهبری آنها به اهداف غیر نظامی در یمن حمله و ده‌ها هزار غیرنظامی از جمله کودکان و زنان را کشته و زخمی کرده‌اند؛ ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه صلیب سرخ جهانی، حمله به زیرساخت‌های غیر نظامی و همچنین استفاده از سلاح‌های ممنوعه علیه مردم یمن از جمله اقدام‌های در حال وقوع در این کشور می‌باشد. در نوشتار پیش‌رو به روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل و با واکاوی نقض احتمالی اصول حقوق منع توسل به زور، نقض حقوق بشردوستانه و ارتکاب جنايات ذاتاً بین‌المللی در یمن همچون جنايات جنگی و جنايات عليه بشریت، بررسی می‌شود. همچنین مسئولیت بین‌المللی مرتکبین و حامیان‌شان، علاوه بر مسئولیت کیفری عاملان و مباشران آن مطرح و راهکارهای رسانه‌ای توصیه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: یمن، اصل منع توسل به زور، جنايات جنگی، جنايات عليه بشریت، عربستان سعودی، مسئولیت بین‌المللی.

. نویسنده مسئول: استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Email: rostamzad34@yahoo.com

. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، تهران، ایران.

Email: mj.ebrahimi@chmail.ir

مقدمه

در جامعه بین‌المللی، در صورت وقوع چهار نوع جرم یعنی جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنگ تجاوزکارانه، با مرتکب یا مرتکبان آن مقابله بین‌المللی می‌شود. مواد ۷ و ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی اختصاص یافته است. در ماده ۸ آن نیز رفتارهایی که منجر به نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹م) و همچنین رفتارهایی که مقررات و عرف حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی را تهدید می‌کنند، از جمله قتل عمد، ایجاد رنج یا وارد کردن صدمه شدید جسمانی و روانی به افراد، حملات عمدی علیه غیرنظامیان، تخریب و حمله به اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی، از مصادیق جنایات جنگی خوانده شده است. جنایت علیه بشریت نیز برای مجموعه رفتارهایی کاربرد دارد که به موجب ماده ۷ اساسنامه رُم، جرم‌انگاری شده است. به موجب این ماده، جنایت علیه بشریت، مجموعه اعمالی است که به طور گسترده یا سازمان یافته و در پی مقاصد یک دولت، علیه جمعیت غیرنظامیان ارتکاب می‌یابد (UNGA, 1998). عربستان سعودی در مداخله نظامی خود به یمن که با حملات هوایی آغاز شد، مدعی گردید که عملیات نظامی در پاسخ به دعوت منصور هادی، رئیس‌جمهوری (مستعفی) یمن، برای حمایت از این کشور و مردم آن از تجاوز مستمر حوثی‌ها، بر اساس اصل دفاع از خود - مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد- با همه الزاماتش انجام شده است. در این عملیات، هواپیماهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین، مراکش، مصر، اردن و سودان شرکت کردند. کشور سومالی نیز اجازه داد که از پایگاه‌های نظامی این کشور استفاده شود. البته پس از تحریم قطر و بحرانی شدن روابط این کشور با ریاض در سال ۲۰۱۷م، قطر به همکاری خود با ائتلاف عربی پایان داد. اهمیت یمن در راهبرد امنیتی عربستان سعودی، موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک یمن، به‌ویژه اشراف این کشور بر تنگه باب‌المندب است.

نگرانی از گسترش قدرت جنیش مردمی انصارالله و تهدید مرزهای جنوبی عربستان سعودی، رقابت منطقه‌ای با ایران و نگرانی از افزایش نفوذ ایران در منطقه، هراس از رسیدن دموکراسی به عربستان سعودی، اتحاد ریاض با واشنگتن و همسویی با تل آویو، از مهم‌ترین عوامل مداخله نظامی عربستان سعودی به یمن به شمار می‌رود.

جنایات سعودی‌ها در یمن، از منظر حقوق بین‌الملل، در قالب ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، قابل بررسی و پیگیری است؛ ضمن این که منصور هادی، به عنوان مقام داخلی دعوت‌کننده به مداخله، هم فاقد حق و صلاحیت قانونی است. در این مقاله، اصول و مقررات بین‌المللی مربوط به کاربرد زور و مداخله نظامی مختصراً تبیین می‌شوند و سپس با تطبیق آن بر وضعیت یمن، عدم مشروعیت استفاده از زور و مداخله نظامی در این کشور به رهبری سعودی‌ها مطرح شده و پیامدهای مهم آن از منظر حقوق بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی مولفه‌های جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در یمن، مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی و دولت‌های مداخله‌کننده و مسئولیت کیفری عاملان و مباشران آن، مطرح می‌شود. ضمن این که شورای امنیت، به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد که وظیفه صیانت از امنیت و صلح بین‌المللی را بر عهده دارد، باید به مسئولیت خود در قبال این جنایات عمل کند.

توسل به زور و مداخله نظامی در یمن

عربستان سعودی در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ م، تهاجم نظامی به یمن را با نام عملیات «توفان قاطعیت» به صورت هوایی آغاز کرد. ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی، دلایل تهاجم خود را در نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت سازمان ملل، ارائه کرد و در این نامه مدعی شد در پاسخ به درخواست منصور هادی، رئیس‌جمهوری (مستعفی) یمن، برای حمایت از یمن و مردم آن در برابر تجاوز شبه‌نظامیان حوثی، که همواره

ابزار نیروهای خارجی بوده‌اند و پیوسته در پی مخدوش کردن امنیت و ثبات یمن هستند، اقدام کرده‌اند (UNS, 2015: 217). منصور هادی در نامه‌ی خود به شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس نوشته بود: «من از شما می‌خواهم مطابق با حق دفاع مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد و منشور اتحادیه عرب و معاهده دفاع مشترک، به منظور پشتیبانی فوری در همه اشکال و اتخاذ اقدامات ضروری از جمله مداخله نظامی، برای حمایت از یمن و مردم آن در مقابل تجاوز حوثی‌ها، جلوگیری از حمله آتی به عدن و دیگر شهرهای جنوب و کمک به یمن برای مقابله با القاعده و دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، اقدام کنید» (همان). عربستان سعودی همچنین دستیابی حوثی‌ها به موشک‌های بالستیک و استقرار نظامی آن‌ها در مرزهای سعودی را به عنوان توجیه تهاجم به یمن مطرح کرده است.

۱- توسل به زور و مداخله از منظر حقوق داخلی یمن

بر اساس اصول ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی یمن، شرایطی که امکان دخالت کشوری دیگر را برای تثبیت اوضاع داخلی یمن فراهم می‌آورد، با وضعیت فعلی مطابقت نمی‌کند. در این قانون دو راه برای مشروعیت بخشیدن به استفاده از نیروهای نظامی سایر کشورها در تثبیت امور داخلی یمن وجود دارد: نخست تصویب مجلس (اصل ۳۷) و دیگری تصویب شورای دفاع ملی به ریاست رئیس‌جمهوری (اصل ۳۸) (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۴). با این حال، نهاد عالی شورای دفاع ملی تا پیش از تجاوز سعودی‌ها به یمن تشکیل نشده و تصمیمی در این خصوص اتخاذ نکرده بود. بنابراین، حضور و تجاوز ائتلاف کشورهای عربی به یمن، آشکارا نقض قانون اساسی یمن به شمار می‌رود.

ریاض تنها در صورتی می‌توانست به درخواست منصور هادی متمسک شود که اولاً وی هنوز در سمت ریاست‌جمهوری یمن باقی بود و ثانیاً عربستان سعودی پیش از تجاوز، گزارش

وضعیت را به شورای امنیت ارائه و مجوز لازم را دریافت می‌کرد. منصور هادی نه به عنوان رئیس‌جمهوری مشروع بلکه به عنوان کسی که مسئول مرحله انتقال قدرت بود، در یمن مشروعیت داشت و نمی‌توانست مانند رئیس‌جمهوری قانونی از دولت ریاض، تقاضای مداخله نماید (همان). اساساً مشروعیت منصور هادی و نمایندگی او از سوی مردم یمن، محل تردید جدی است، زیرا طبق اصل ۱۱۶ قانون اساسی یمن، هر گاه پست ریاست‌جمهوری خالی شود، یا رئیس‌جمهوری برای همیشه ناتوان گردد، وظایف او موقتاً، برای مدتی که بیش از ۶۰ روز نخواهد بود، بر عهده معاونش نهاده می‌شود که در این مدت انتخابات جدید برگزار کند. از طرفی بر اساس اصل ۱۰۸ (بند د)، در هر انتخابات، تعداد نامزدهای ریاست‌جمهوری نباید از دو نفر کمتر باشد اما در انتخاباتی که منصور هادی برگزار کرد، تنها خودش نامزد شده بود (The Constitution of Yemen, 2001).

۲- اصل منع تهدید و توسل به زور در یمن از منظر حقوق بین‌الملل

در بند ۳ از ماده ۲ منشور آمده است: «کلیه اعضا، اختلافات بین‌المللی خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد». این بند به صراحت کشورهای (عضو و غیر عضو) را از توسل به روش‌های غیرمسالمت‌جویانه منع می‌کند. همچنین بند ۴ همین ماده، کلیه اعضا را از تهدید به زور یا استفاده از آن، یا هر روش دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مطابقت نداشته و علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور باشد، منع می‌کند (UNCIO, 1945, Article 2).

مجمع عمومی ملل متحد، همچنین در بند ۷ قطعنامه ۴۲/۲۲ (درباره ارتقای تأثیر اصل خودداری از تهدید به استفاده از زور یا کاربرد زور در روابط بین‌المللی) تصریح کرده است

^۱ jus ad bellum

که «دولت‌ها وظیفه دارند از مداخله مسلحانه خودداری کنند» (UNGA 1987, Reso. 42/22s).

این قطعنامه اگر چه سند حقوقی الزام‌آوری محسوب نمی‌شود اما به عنوان تفسیری معتبر از مقررات ذریبط منشور، اهمیت دارند؛ لذا استفاده از زور در پیشبرد سیاست‌های ملی و نیز مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نقض آشکار اصول مسلم حقوق بین‌المللی به شمار می‌رود و از آن جا که اصل منع توسل به زور در زمره قواعد آمره بین‌المللی است، توافق برخلاف آن نیز هرگز معتبر نخواهد بود. (Y.B.I.L.C., 1966, II: 247; Harris, 1998: 871-872). بنابراین تشکیل ائتلاف چند دولت برای اقدام نظامی علیه کشور دیگر، به آن وجاهت و مشروعیت نیز نمی‌بخشد. از سوی دیگر، فصل ششم منشور که به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اختصاص دارد، در ماده ۳۳ بند ۱ مقرر کرده است که کشورها پیش از هر اقدامی باید از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، مساعی جمیله، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به ترتیبات منطقه‌ای یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز، به انتخاب خود، به راه‌حلی دست پیدا کنند (UNCIO, 1945, art 33).

ماده ۵۱ منشور ملل متحد، استفاده از زور را از سوی دولت‌ها، در مقام دفاع از خود، به شکل انفرادی یا جمعی، مجاز دانسته و آن را استثنائی بر اصل «منع توسل به زور» به شمار آورده است. شروط و معیارهای مسلمی برای استفاده از زور با استناد به «حق دفاع» وجود دارد، از جمله وجود پیش‌شرط حمله نظامی که ماده ۵۱ با تصریح به آن، حاکمیت دولت‌ها را مورد حمایت قرار داده است (Gina Heathcote, 2012: 77). گذشته از این رعایت ضرورت و تناسب، به عنوان اصول کلی حقوق بین‌الملل، از معیارهای لازم در مقام «دفاع از خود» محسوب می‌شود. هر یک از این ویژگی‌ها مورد تأیید و تأکید رویه دیوان بین‌المللی دادگستری قرار دارد (Nicaragua Case, 1986: 191). اصلی که تجاوز به یمن را مخدوش و

غیرمشروع نشان می‌دهد، بند ۱ از ماده ۵۳ منشور است که کشورها را ملزم می‌کند برای انجام هر عملیاتی علیه یکدیگر، باید نخست از شورای امنیت مجوز کسب نمایند. اقدامی که پیش از تجاوز به یمن از سوی مقامات سعودی به هیچ عنوان صورت نگرفته و در مخالفت آشکار با منشور ملل متحد است. شورای امنیت با قطعنامه ۲۲۱۶ مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ م، چشم خود را بر این تخلف آشکار سعودی‌ها بست (گلشن پژوه، ۱۳۹۴).

اگر در متن نامه منصور هادی برای درخواست مداخله نظامی - به دفاع از خود بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد اشاره شده است - برخی ادعاها یا تحلیل‌های مطرح شده در بیانیه پنج کشور عربی به رهبری سعودی‌ها، همچون تعقیب گروه‌های تروریستی مانند القاعده (UNSC, 217: 2015) که اشاره به دفاع از خود است، به هیچ وجه در این قالب توجیه پذیر نیست. در واقع عربستان سعودی یا دیگر کشورهای مشارکت‌کننده در عملیات نظامی علیه یمن، پیش از حمله و حتی مدت‌ها پس از آغاز حملات هوایی، قربانی هیچ حمله‌ای از سوی این کشور یا گروه‌های یمنی مورد ادعا، نشده بودند.

از سوی دیگر، دولتی پیش از آن که هدف حمله‌ای واقع شده باشد در مقام پیشگیری یا بازدارندگی، اقدام به تهاجم علیه کشوری کرده و تحت عنوان حق دفاع پیشگیرانه^۱ یا پیش‌دستانه^۲ مدعی شده است که با تهدید حمله نظامی قطعی و قریب‌الوقوع و یا حمله احتمالی قابل پیش‌بینی از سوی آن کشور مواجه بوده است (فضائلی، ۱۳۹۵). حتی با قبول مشروعیت دکترین جنجالی دفاع پیش‌دستانه، عربستان سعودی و دولت‌های شرکت‌کننده در تهاجم نظامی به یمن، هرگز نمی‌توانند چنین ادعایی را به اثبات برسانند که با حمله قریب‌الوقوع از سوی ارتش و گروه‌های مردمی و انقلابی یمن مواجه بوده‌اند. در حقیقت

^۱ Anticipatory self-defence

^۲ Intetceptive self-defence

قرائن و شواهد خلاف چنین ادعایی را ثابت می‌کند زیرا تا مدت‌ها پس از این تهاجم، یمنی‌ها هیچ واکنش و حمله‌ای علیه ائتلاف انجام ندادند.

حالت دیگر آن است که حمله نظامی قطعی و قریب‌الوقوع مطرح نیست اما احتمال حمله وجود دارد و یا پیش‌بینی می‌شود که شاید حمله نظامی علیه کشور صورت گیرد. آیا می‌توان پذیرفت به صرف احتمال پیش‌بینی حمله نظامی، جواز توسل به زور به عنوان دفاع مشروع وجود داشته باشد (Gray, 2006: 555)؟ به نظر می‌رسد این موضع نه با اصول و موازین حقوقی بین‌المللی قابل انطباق است و نه دکترین حقوقی بین‌المللی آن را حمایت می‌کند. براساس آنچه از رویه دیوان بین‌المللی دادگستری برداشت می‌شود، توسل به زور در چنین وضعیتی با شرط «ضرورت» در دفاع مشروع، منطبق نیست (ICJ, 1996, 226, 245; ICJ, 1986, 14, 94, 103).

بررسی رویه‌های شورای امنیت پیش از آن که نشانگر نقش فعال و مستقل این نهاد برای دستیابی به اهداف ملل متحد باشد، از نقش انفعالی آن حکایت دارد که سبب شده است تصمیم‌گیری‌های مربوط به کاربرد زور، در خارج از این شورا و توسط برخی قدرت‌های بزرگ یا نهادهای منطقه‌ای اتخاذ شود.

نمونه‌ی یمن موید این موضوع است. شورای امنیت ملل متحد، با اتخاذ موضع انفعالی در برابر اقدامات یک نهاد منطقه‌ای، با چشم بستن بر روی واقعیت‌های میدانی در یمن، اقدام به صدور قطعنامه‌هایی یک‌سویه علیه گروه‌های مردمی و ملت یمن کرده است. به‌ویژه در قطعنامه‌های ۲۲۰۱ (بند ۶ مقدمه) و ۲۲۱۶ (بند ۲ مقدمه) با ذکر نام منصور هادی به عنوان رئیس‌جمهور یمن و با اشاره به نامه‌ی وی مبنی بر درخواست کمک از شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب سعی شده است که دخالت نظامی در یمن موجه جلوه داده شود. اما با نظر به آن چه گفته شد باید به این قطعنامه‌ها، به عنوان مبنایی حقوقی برای مداخله

نظامی در یمن (بر اساس فصل هفتم منشور)، با دیده تردید نگریست. ضمن این که قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت، اگر به لحاظ ماهوی مغایر قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشد، با چالشی جدی مواجه است. از این رو، تأیید تهاجم نظامی علیه مردم یمن از یک سو قاعده آمره منع توسل به زور را به چالش می‌کشد و از سوی دیگر، با قاعده آمره تعیین سرنوشت مردم یمن ناسازگار است (فضائلی، ۱۳۹۵).

۳- اصل عدم مداخله در یمن از منظر حقوق بین‌الملل

یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی که منشور ملل متحد نیز بر آن تأکید کرده است، اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها است. سازمان ملل متحد علاوه بر بند ۷ ماده ۲ منشور، در قطعنامه‌های متعددی، به تبیین این اصل پرداخته است.

اعلامیه ملل متحد درباره عدم مداخله که در قالب قطعنامه ۳۱/۲۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵م صادره شده است، بر حق کشورها در تصمیم‌گیری درباره اداره امور خود، بدون هر گونه دخالت خارجی، تأکید ورزیده است. در سال ۱۹۷۰م، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل، مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها - بر طبق منشور ملل متحد و در قالب قطعنامه ۲۵/۲۶ - تمامی شکل‌های مداخله در شخصیت حقوقی یک کشور و یا عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را منع کرده است. در سال ۱۹۸۱م، مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۱۰۳/۳۶ در زمینه اجرای اعلامیه «غیرقابل‌پذیرش بودن مداخله در امور داخلی کشورها» اعلام کرد که «اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی» شامل حقوق و تکالیف زیر است: خودداری از هر گونه اقدام زورمندانه و قهرآمیزی که ملل تحت سلطه استعمار یا تحت اشغال بیگانگان که آن‌ها را از اعمال حق تبیین سرنوشت

آزادی و استقلال خود محروم می‌کند و خودداری از سوءاستفاده و محدودش کردن موضوعات حقوق بشری به عنوان ابزار دخالت در امور دیگر کشورها (همان).

از مفاد برخی اسناد بین‌المللی نیز برمی‌آید که دخالت به دعوت یا رضایت دولت هدف از شمول اصل منع مداخله مستثنا است. گرچه این رضایت هم باید به نحو معتبر و توسط ارگان و یا از سوی شخصی صلاحیت‌دار ابراز شده باشد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱ علاوه بر تصریح پیش‌شرط‌های رضای معتبر، به مواردی اشاره دارد که رضایت هرگز نمی‌تواند معتبر باشد. از جمله این موارد رضایت به رفتاری است که ناقص قواعد آمره باشد (YBILC, 2001, vol.II, Part Two). اما زمانی که مخاصمات مسلحانه داخلی در میان باشد، بر اساس اصول و قواعد بین‌المللی، نمی‌توان به سادگی به حق مداخله نظامی فراتر از سیستم امنیت جمعی ملل متحد قائل شد.

رویه شورای امنیت ملل متحد در موارد مختلف، متفاوت بوده است. رویه معمول این شورا در منازعات داخلی طولانی‌مدت - که به از دست دادن بخشی از سرزمین و مردم منجر شده - محروم کردن دو طرف به طور مساوی از حمایت نظامی خارجی بوده است. در چنین حالتی مسئله باید از طریق عملیات حفظ صلح ملل متحد، با تجدید نظر در قانون اساسی و از طریق انتخابات آزاد و فراگیر، حل و فصل شود. اما شورای امنیت در سال‌های پس از جنگ سرد، گاه به آن رویه معمول و سنتی خود پایبند نمانده و در موارد متعددی مداخله به نفع شورشیان و علیه دولت مستقر را موجه دانسته و یا دست‌کم در مقابل آن سکوت کرده است. موارد سوریه و اوکراین از این دسته هستند. حال آن که در نهایت شگفتی در مورد یمن، از مداخله خارجی علیه گروه‌های انقلابی و مبارز علیه مردم یمن، که به دعوت رئیس‌جمهوری موقت، مستعفی و فراری انجام شده تلویحاً حمایت کرده است (فضائلی،

^۱ILC

(۱۳۹۵). هرچند متن قطعنامه ۲۲۱۶ سازمان ملل درباره یمن از تأیید مداخله نظامی در این کشور حکایت می‌کند اما شورای امنیت در این مورد اجازه استفاده از زور را نداده است. از نظر عرفی، دولت تا زمانی که نمایندگی کشورش را داشته باشد، می‌تواند درخواست کمک خارجی کند و تا زمانی که در نتیجه قیام عمومی یا جنبش معارض مسلح، به طور کامل برکنار نشده باشد، نماینده کشورش تلقی می‌شود. از این رو هر کمکی به جنبش مخالف، مداخله محسوب می‌شود و ممنوع است (والر، ۱۳۹۴).

اما حکومت یمن با اعتراض‌های عمومی و گسترده یمنی‌ها که خواستار احیای حقوق اساسی خود و مشارکت در تعیین سرنوشت‌شان بودند، مواجه شد. این واقعیات در گزارش‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد منعکس شده است (قطعنامه‌های ۲۰۱۴ مورخ ۲۰۱۱م و ۲۰۵۱ مورخ ۲۰۱۲م). بنابراین اگر دولت مرکزی یمن در نتیجه قیام و انقلاب مردمی برکنار و مجبور به ترک قدرت شده باشد، دیگر نماینده مردم آن کشور نیست و حق ندارد برای بازگشت به قدرت، خواستار مداخله خارجی شود. از منظر اصول و موازین بین‌المللی، می‌توان گفت تهاجم نظامی دولت عربستان سعودی و دولت‌های هم‌پیمان آن به یمن، فاقد مشروعیت است زیرا اگر نگوئیم صراحتاً ناقض اصول «منع توسل به زور» و «عدم مداخله» است، به یقین در شمول استثنای این اصول در مورد یمن تردید جدی وجود دارد و بدیهی است مادام که وجود استثناء به نحو قطعی و مسلم احراز نشود، اصل ممنوعیت به قوت خود باقی است (فضائلی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، منصوره‌ادی در نامه خود به اعضای شورای همکاری خلیج فارس با مضمون دعوت به مداخله، به منشور اتحادیه عرب هم متوسل شده است اما تهاجم نظامی به یمن، نقض منشور سازمان همکاری اسلامی^۱ و اتحادیه عرب است.

^۱OIC

با توجه به منشور سازمان همکاری اسلامی، کشورهای اسلامی باید اختلافات با یکدیگر را در چارچوب این سازمان حل کنند. در مورد کشورهای عربی در اتحادیه عرب نیز به همین رویه عمل می‌گردد. بر خلاف نص منشور این دو سازمان، عربستان سعودی پیش از انجام حمله علیه یمن، با هیچ یک از این دو سازمان مشورت نکرد. همچنین از آن جا که دولت یمن، عضو پیمان شورای همکاری خلیج فارس نیست، هیچ دولتی از حاشیه خلیج فارس نمی‌تواند وارد بحران این کشور شود (گلشن پژوه، ۱۳۹۴).

۴- مصادیق نقض حقوق بشر در یمن

در دهم دسامبر ۱۹۴۸م، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی است در مقام، منزلت و کرامت انسانی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۸). همچنین قطعنامه‌های ۲۴۴۴ (۲۳) نوزدهم دسامبر ۱۹۶۸م، ۲۵۹۷ (۲۴) شانزدهم دسامبر ۱۹۶۹م، ۲۶۷۴ (۲۵) و ۲۶۷۵ (۲۵) نهم دسامبر ۱۹۷۰م، به موضوع حمایت از حقوق بشر و اصول بنیادین مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه اختصاص یافته است.

ممنوعیت روش‌ها و ابزارهای جنگی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی را می‌توان به مجموعه قوانین و عرف‌های حقوق بشردوستانه^۱، از جمله قواعد و مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نیز نظام بین‌المللی حقوق آزادی‌های بشری مستند کرد. از جمله این اسناد، بندهای متعددی از اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

هر چند عربستان سعودی یکی از هشت کشوری بود که در زمان تصویب اعلامیه، به آن رای ممتنع داد اما رویه آن، همانند سایر کشورها، این بود که در تمامی این سال‌ها موضعی علیه

^۱jus in bella

آن اتخاذ نکند و اقدام آشکاری در ضدیت با آن انجام ندهد. حفظ حقوق کودکان، زنان، افراد آسیب‌پذیر و سالمند؛ حق توسعه؛ حق صلح؛ حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه؛ حقوق برخورداری از غذا، مسکن، آب آشامیدنی سالم و بسیاری موارد دیگر از جمله حقوق اساسی بشر هستند که در جریان تهاجم نظامی عربستان، از شهروندان یمنی منع شده است (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۴).

جالب آن‌جاست که عربستان به عضویت شورای حقوق بشر سازمان ملل هم درآمده است، در حالی که علی‌القاعده، تنها کشورهایی می‌توانند در میان ۴۷ عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل قرار گیرند که خود از بالاترین استانداردهای حقوق بشری برخوردار باشند.

البته، نهاد حقوق بشری عالی سازمان ملل، با صدور قطعنامه‌ای در سال ۱۳۹۶، گروهی از «کارشناسان بین‌المللی و منطقه‌ای برجسته» را برای نظارت و تهیه گزارش درباره موارد نقض حقوق بشر در یمن، وارد عمل کرد. این عالی‌ترین ترکیب بین‌المللی است که تاکنون برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در کشوری که به گفته سازمان ملل با بزرگترین فاجعه انسانی جهان روبرو است، تشکیل می‌شود. کیت گیل‌مور^۱ معاون رئیس حقوق بشر سازمان ملل، وضعیت در یمن را به عنوان یکی از بدترین بحران‌های انسانی در جهان توصیف کرد و تحقیق مستقل برای نقض حقوق بشردوستانه و قوانین بین‌المللی را در یمن لازم دانست (UN news, 2017).

تعاریف و مصادیق جنایات جنگی با تاکید بر یمن

جنایات جنگی، جنایاتی است که ارتکاب آن‌ها در درگیری‌های مسلحانه موجب نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۲ می‌شود. حقوق بین‌الملل عرفی مقدم بر حقوق بین‌الملل معاهداتی،

^۱ Kate Gilmore

^۲ International humanitarian law (IHL).

اعمال ارتكابی در حین مخاصمات مسلحانه را جرم‌انگاری کرده است. اما ورود این دسته از جرایم به عرصه حقوق بین‌الملل معاهداتی، از طریق معاهده ۱۹۰۷ لاهه بوده است. در کنفرانس رم (۱۹۹۸م) مذاکرات متعددی پیرامون جرایم جنگی و صلاحیت «دیوان کیفری بین‌المللی» انجام شد که در نهایت منجر به تصویب ماده هشت اساسنامه دیوان گردید. دکترین حقوق بین‌الملل نیز پیوسته دغدغه حمایت از قربانیان جنگ را فارغ از نوع مخاصمات دانسته است (سیدزاده و فرهادی، ۴۵: ۱۳۹۳). بر اساس بند دوم ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول، حملات منحصرأ باید به هدف‌های نظامی محصور گردد. باید به دو شاخصی که برای تشخیص اهداف نظامی وجود دارد، توجه داشت. اول، سهم و تأثیر اهداف نظامی و دوم، مزیت نظامی که حاصل می‌شود (Cassese, 2002: 39). در مواقعی که بر سر نظامی یا غیرنظامی بودن اهداف تردید وجود دارد، بر اساس قسمت دوم ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول اساسنامه رم، هدف می‌بایست غیرنظامی فرض شود. اصلی که در حمله نظامی به یمن نادیده گرفته شده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی که در روزنامه الیوم چاپ شد تاکید کرد که ائتلاف متجاوز سعودی، در یمن، مرتکب جنایت جنگی شده است. در این گزارش آمده بود که دیده‌بان حقوق بشر هیچ نشانه‌ای از اهداف نظامی در یمن نیافته است و جنگنده‌های ائتلاف هیچ تفاوتی میان اهداف نظامی و غیرنظامی قائل نیستند (عمادی، ۱۳۹۶).

بر اساس اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، اماکن درمانی مانند بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی و تاریخی و تاسیسات زیربنایی کشورها، مصون از حمله و تخریب هستند و طرف مرتکب، مشمول جرایم جنگی می‌گردد اما در یمن شاهد آن هستیم که ائتلاف سعودی بارها به بیمارستان‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی و تاریخی یمن و همچنین تاسیسات زیربنایی این کشور حمله کرده است. از سویی دیگر، در حوزه به‌کارگیری تسلیحات نیز حقوق بین‌المللی

بشردوستانه عرفی، اصول و مقرراتی را مد نظر قرار داده است و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک، منبسط‌شونده، گلوله‌های انفجاری و کلاً کاربرد سلاح‌هایی را که بدن را با تکه‌های ریز و غیرقابل مشاهده مجروح می‌کند، ممنوع نموده است. در یمن، به اذعان سازمان بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر و کمیساریای عالی آن، ائتلاف سعودی از بمب‌های خوشه‌ای استفاده کرده است؛ لذا جرم جنگی این ائتلاف مشهود است (دهدشتی، ۱۳۹۵).

اساسنامه دیوان به تبعیت از ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول ژنو، گرسنگی دادن به غیرنظامیان را به‌عنوان یک شیوه جنگی، ممنوع و جرم‌انگاری کرده است. بند ۲ ماده ۵۴ همین پروتکل، گرسنه نگه‌داشتن غیرنظامیان (به قحطی کشاندن اجباری) از طریق محروم کردن آن‌ها از موادی که برای بقایشان ضروری است (Schmitt & others, 2010: 417) - شیوه جنگی‌ای که عربستان سعودی در یمن در پیش گرفته است - ممنوع کرده است.

رئیس برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل متحد، در گفتگو با رویترز با اشاره به حملات ائتلاف عربی به یمن، این ائتلاف را متهم کرد که مانع ارسال و ارائه کمک‌های بشر دوستانه به مردم یمن می‌شود. دیوید بیزلی^۲ گفت: عربستان سعودی باید اقدامات لازم را برای رفع گرسنگی و همچنین درمان بیماری مردم یمن که به خاطر حمله نظامی که این کشور سرکردگی آن را علیه یمن به عهده دارد، بوجود آمده انجام دهد (ایرنا، ۱۳۹۶). بخش عمده‌ای از بحران انسانی کنونی یمن زاینده رویکردی است که ائتلاف کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی در قبال این کشور در پیش گرفت. مردم با گرسنگی و سوء تغذیه دست به گریبانند. دو سوم جمعیت کشور یمن نزدیک به ۱۹ میلیون نفر به نوعی به کمک‌های اضطراری نیاز دارند. چهار و نیم میلیون کودک یمنی هم از سوء تغذیه رنج می‌برند (euronews, 2017).

¹World Food Programme

² David Beasley

انتقال اجباری و یا اخراج بخشی از جمعیت کشور از دیگر مصادیق جنایات جنگی به شمار می‌رود. بر اساس سند عناصر جرایم، مرتکب باید، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بخشی از جمعیت خود را به سرزمین اشغال شده منتقل کرده^۱ و یا تمام یا بخشی از جمعیت سرزمین اشغال شده را در داخل یا خارج از سرزمین، اخراج یا جابه‌جا کرده باشد.^۲ صرف عمل تحریک‌آمیز یا ایجاد تسهیلات نیز ممکن است تحت شمول این جرم جنگی قرار گیرد (Dormann & others, 2003: 211). در این راستا، نیروهای وابسته به منصور هادی که مورد حمایت و پشتیبانی عربستان سعودی هستند، یمنی‌هایی را که عمدتاً ساکن مناطق «المنصوره» و «حی ریمی»^۳ هستند، به خاطر وابستگی به مناطق شمالی، دستگیر و به استان تعز^۴ که در کنترل نیروهای انصارالله قرار دارد، منتقل کردند. بدروس الزبیدی^۵، استاندار عدن، گفت: «آنچه انجام شده بخشی از طرح امنیتی دقیقی است که منصور هادی مصوب کرده است» (پرس‌تی‌وی، ۲۰۱۶).

تعاریف و مصادیق جنایات علیه بشریت با تاکید بر یمن

جنایت علیه بشریت، در تعریف موسع، به عنوان صدمه‌ای مهم و عمدی به شخص انسان یا به حقوق انسان تلقی شده است (اردبیلی، ۱۷۰: ۱۳۸۳). جنایات علیه بشریت به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تنها مشتمل بر آن دسته از جنایات است که «به عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت با هر جمعیت غیرنظامی» ارتکاب می‌یابند (Cassese, 2002: 353).

^۱ لازم است اصطلاح جابه‌جایی مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه تفسیر شود.

^۲ نحوه جرم‌انگاری اساسنامه دیوان برای این بند همانند بند چهارم ماده ۸۵ پروتکل الحاقی اول ژنو است.

^۳ Hey Reymi

^۴ Taaz

^۵ Bedros Alzobeydi

جنایات بر ضد بشریت را می‌توان به سه دسته جنایات بر ضد تمامیت جسمی و روحی افراد؛ جنایات بر ضد آزادی‌های افراد و سایر اعمال ضد بشری تقسیم کرد (بیگزاده، ۱۳۷۷: ۸۷). این جنایت ممکن است هم در حین جنگ و هم در زمان صلح روی دهد و هدف «حمله» باید یک جمعیت غیرنظامی باشد. مهم‌ترین دلیل برای اثبات عضویت در یک جمعیت غیرنظامی، نیاز قربانی به حمایتی است که از بی‌دفاعی آن‌ها در مقابل کشور، ارتش و سایر نیروهای سازماندهی شده، سرچشمه می‌گیرد (1: 2002, Ambos & Wirth).

آنچه رژیم سعودی در یمن انجام می‌دهد، عناوین مجرمانه متعددی را شامل می‌شود که در قالب اعمال جنایت علیه بشریت و به گستردگی و بدون تبعیض علیه زن، مرد، کودک و غیرنظامیان انجام می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵). جنگ عربستان سعودی علیه یمن سبب شد شمار آوارگان یمنی بیش از ۷ برابر افزایش یابد. یمنی‌ها علاوه بر آوارگی با مشکلات مهم دیگری از جمله محروم شدن کودکان از تحصیل، تجاوز به زنان و دختران، از دست دادن منازل و مشاغل و همچنین مواجه شدن با مشکلات بهداشتی و گرسنگی روبه‌رو هستند. هر یک از این مشکلات ابعاد دیگری از جنایت علیه بشریت را تشکیل می‌دهند که درباره مردم یمن آشکارا رخ داده است (عمادی، ۱۳۹۶). بی‌خانمانی و آوارگی که مصداق تبعید یا کوچ اجباری شهروندان از محل زندگی‌شان است، یکی دیگر از مصادیق جنایت علیه بشریت به شمار می‌رود. یکی از پیامدهای جنگ، جمعیت بی‌خانمان و آواره‌ای است که در داخل کشورشان «بی‌خانمان»^۱ و یا در کشورهای دیگر «آواره»^۲ شوند. بی‌خانمانی و آوارگی برای مردم یمن نیز در جنگی که عربستان سعودی به آن‌ها تحمیل کرده، رخ داده است (savethechildren, 2016). آژانس مهاجرت سازمان ملل متحد^۳ با اشاره به درگیری‌های

¹ Displace

² Refuge

³ UN migration agency

یمن اعلام کرد، بیش از ۲,۱ میلیون نفر در این کشور آواره شده اند و با بحران انسانی مواجه هستند (UN, 2017).

مسئولیت از منظر حقوق بین‌الملل

مسئولیت، بدیهی‌ترین و جدی‌ترین نتیجه هر نقض تعهدی محسوب می‌شود. بنابراین تبیین دقیق مسئولیت بین‌المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل است. بر مسئولیت بین‌المللی دولت آثاری مفید و ارزشمند مترتب است. لزوم جبران خسارت مادی و حتی در مواردی خسارت معنوی از زیان‌دیده، نمونه بارز چنین آثاری است (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۲). توسعه این نهاد حقوقی سبب تضمین منافع قدرت‌های کوچک در مقابل قدرت‌های بزرگ است.

حقوق بین‌الملل معاصر، به منظور جبران خسارت از زیان‌دیدگان، مسئولیت دولت را وارد عرصه حقوق بین‌الملل کرده و آن را توسعه داده است (مستقیمی و طارم‌سری، ۱۳۷۷: ۱۲). بسیاری از جرایم بین‌المللی، تنها در صورتی محقق خواهند شد که جرم توسط نهاد دولتی و به شیوه سازماندهی شده انجام شود. در چنین مواردی تنها با محاکمه افراد مباشر، طراح یا عوامل این جنایت، رسیدگی به این جرم پایان داده نمی‌شود چرا که هرچند مسئولیت کیفری فردی لحاظ شده است اما بی‌تردید، تحقق مسئولیت به نحو اکمل، تنها با در نظر گرفتن جنبه‌های دیگر مسئولیت، امکان‌پذیر خواهد بود (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۳). ماده ۱ طرح پیش‌نویس ۲۰۰۱م، کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها اعلام می‌دارد: «هر تخلف بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود» و بر اساس ماده ۴۰ همین طرح: «موارد اعمال مواد فصل سوم، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض جدی تعهدات ناشی از نقض قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام از سوی یک دولت است». بر اساس مقررات ماده ۴

طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، رفتار دولت (اعم از ارکان تقنینی، اجرایی و قضایی) عمل دولت محسوب می‌شود. رکن دولت شامل فرد یا هر شخصیت حقوقی است (خالقی و جاویدزاده، ۱۳۹۰: ۲۲۰)، زمانی عمل افراد به دولت استناد داده می‌شود که فرد به عنوان کارگزار دولت یا از جانب دولت و یا به نام دولت، اقدام کرده باشد.

سازمان ملل برای مبارزه با جرایم بین‌المللی به مراجع قضایی و کیفری متوسل شده که آخرین مورد آن تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی است که ضمن مجازات مرتکبان، ترمیم آسیب زیان‌دیدگان را مورد توجه قرار داده است و به مساله برقراری صلح و امنیت نیز توجه کرده است. این سازمان توانسته است با اعمال مسئولیت بین‌المللی، اجرای تعهدات دولت‌ها را در بعد جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی و جنایت تجاوز، تضمین، تقویت و برپیشگیری از وقوع آن تاکید کند (همان).

بر اساس اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، اماکن درمانی چون بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی و تاریخی و تاسیسات زیربنایی کشورها، مصون از حمله و تخریب هستند و طرف مرتکب این جنایات جنگی، مشمول مسئولیت می‌شود (دهدشتی، ۱۳۹۴). ائتلاف کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی با حملات هوایی برنامه‌ریزی شده به غیرنظامیان، زیرساخت‌ها و مواضع حوثی‌ها بحران انسانی را رقم زده اند. در این میان بریتانیا و ایالات متحده آمریکا هم با تامین تجهیزات نظامی و پشتیبانی نظامی مورد نیاز ائتلاف در این فاجعه نقش داشته‌اند. در این حملات مرگبار و بی‌امان از بسیاری از بیمارستان‌ها، مدارس، تاسیسات آبرسانی، مزارع، بازارها و حتی بندر اصلی حدیده چیزی جز ویرانه ای باقی نمانده است (euronews, 2017).

نقض قواعد آمره بین‌المللی، مصداقی از مسئولیت دولت ریاض است و از این حیث، هم‌زمان با احقاق حقوق در مراجع قضایی ملی و بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی عربستان در زمینه

اعمال متخلفانه بین‌المللی، به‌ویژه در چارچوب فصل سوم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱م) قرار می‌گیرد.

با توجه به نقض قواعد و اصول حقوق بین‌الملل در حمله عربستان سعودی و متحدانش به یمن، می‌توان گفت عربستان سعودی و دیگر حمله‌کنندگان به یمن، طبق مواد ۲ و ۱۲ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی کشورها به سبب نقض آشکار حقوق بین‌الملل، دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و دولت یمن می‌تواند ضمن اقامه دعوی حقوقی علیه ایشان در مراجع بین‌المللی با استناد به مسئولیت آن‌ها، ادعای خسارت کند (محمدی مطلق، ۱۳۹۴).

از دید حقوقدانان بین‌المللی، حمله عربستان سعودی به یمن تجاوزی است که دلیل مشروعی ندارد و از دید حقوق جنگ، این تجاوز محرز است و مسئولیت بین‌المللی به همراه دارد. آثار حقوقی آن هم این است که در آینده مهاجم باید جبران خسارت کند، یعنی هم با دلجویی از قربانیان جنگ، خسارات معنوی را جبران کند و هم خسارت‌های مادی ناشی از جنگ را پرداخت نماید (آقایی، ۱۳۹۴).

ماده ۵۸ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱م) و نیز بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مؤید قابلیت اجتماع مسئولیت بین‌المللی دولت با مسئولیت فردی مقامات و مأموران دولتی است. رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز اثبات کرد که جنبه‌های متفاوت مسئولیت، نافی یکدیگر نیستند بلکه می‌توانند به نحو اکمل به تقویت و تحکیم اساس «مسئولیت» در صحنه بین‌المللی کمک کنند (زمانی، ۱۳۹۵: ۲۳).

عربستان سعودی در حمله به یمن، بسیاری از قواعد حقوق بشر دوستانه در زمان جنگ را به‌هیچ‌وجه رعایت نکرده است. از هر دو جنبه حقوق بین‌الملل، عربستان سعودی یک کشور متجاوز و از دید حقوق جنگ و حقوق بشر دوستانه هم یک جنایتکار جنگی است. سران

عربستان سعودی در قبال این جنایات، دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند و باید محاکمه شوند (آقایی، ۱۳۹۴).

کاربرد مهمات خوشه‌ای از سوی دولت ریاض علیه مواضعی در یمن و چگونگی تسلیح این دولت به مهمات مذکور، توسط دولت یا دولت‌های ثالث هم، در پرتو مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی قابل بررسی است (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۴). در مورد کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن باید متذکر شد که دولت عربستان، فاقد فناوری تولید مهمات خوشه‌ای است (236: Monitor Mines Action Canada, 2009). بنابراین واضح است که کمک یا مساعدت دولت آمریکا از طریق انتقال مهمات خوشه‌ای، در قالب قرارداد سال ۲۰۱۳م، همزمان نقش «کنترل موثر»، «تسهیل‌کننده» و «قابل توجه» را برای دولت سعودی علیه مواضعی در یمن به دست نیروهای دولت سعودی داشته است. بدین ترتیب رکن مادی پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها محقق است.

مسئولیت نهادهای بین‌المللی بویژه شورای امنیت در یمن

رویه سازمان ملل و طرح‌های متعددی که کمیته ویژه عملیات حفظ صلح ارائه کرده، مؤید آن است که شورای امنیت اختیار تشکیل، هدایت، کنترل و بالاخره خاتمه دادن به عملیات حفظ صلح را دارد (Stock, 2011: 2). هر چند سازمان ملل متحد توانست به درگیری‌های کامبوج، سومالی یا یوگسلاوی سابق خاتمه بخشد و از طریق مأموریت‌های صلح‌بانی زندگی هزاران تن از مردم را نجات دهد و در کامبوج، السالوادور، نامیبیا، موزامبیک و آنگولا به موفقیت‌هایی دست یابد (سجادپور و آقامحمدی، ۱۳۹۴) اما تجربه نشان می‌دهد شمار زیادی از درگیری‌ها همچنان نادیده گرفته می‌شوند که یمن، نمونه بارز آن است.

با گذشت نزدیک به سه سال از توسل به زور ائتلاف به رهبری سعودی علیه یمن، همچنان شاهد سکوت برخی از سازمان‌های بین‌المللی و حمایت جانبدارانه شورای امنیت سازمان

ملل از تجاوز نظامی آل سعود به یمن هستیم. (ملکی، ۱۳۹۶) از نمونه‌های آشکار این موضوع می‌توان به حذف گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل در خصوص جنایات عربستان در نقض حقوق کودکان یمن اشاره کرد.

عربستان سعودی بدون توجه به قواعد و مقررات بین‌المللی به یمن حمله نمود. پیش از تجاوز هم گزارش وضعیت را به شورای امنیت ارایه نکرد و مجوز لازم را دریافت ننمود و تنها پس از حمله، گزارش را ارسال کرد. قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت هم که چند روز پس از حمله به یمن، با پیشنهاد فرانسه، در شورای امنیت سازمان ملل صادر شد، نشان می‌دهد که در راستای اقدام‌ها و سوابق گذشته شورای امنیت و مبتنی بر منافع ملی و قدرت اعضا صادر شده و به جای محکوم نمودن متجاوز و تروریست‌ها، تحریم‌های همه‌جانبه‌ای علیه ملت یمن اعمال کرده است. قطعنامه‌ای که عربستان سعودی آن را سرپوشی بر اقدامات خود در یمن قرار داده است (جلالوند، ۱۳۹۵). شورا به موجب فصل هفتم منشور، می‌تواند آنچه را که در یمن اتفاق می‌افتد، به عنوان نقض صلح، تشخیص دهد و موضوع را برای رسیدگی به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد (ملکی، ۱۳۹۶). اما با اعمال حاکمیت حامیان این ائتلاف در شورای امنیت و برخورداری از «حق وتو» احتمال تحقق این موضوع بسیار کم است و به احتمال زیاد، با وتوی دولت آمریکا مواجه می‌شود و در نتیجه موضوع به دیوان، ارجاع نخواهد شد.

دادگاه کیفری بین‌المللی، در صورتی واجد صلاحیت رسیدگی می‌شود که دولت کشور محل ارتکاب یا دولت متبوع مجرمان، اساسنامه آن دادگاه را پذیرفته باشند که در اینجا نه دولت یمن و نه عربستان سعودی، اساسنامه را نپذیرفته‌اند. البته طبق اساسنامه این دادگاه، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی را به طور موردی درباره جنایاتی که در قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها ارتکاب یافته است، بپذیرند. بنابراین در این مورد دولت یمن می‌تواند

چنین درخواستی از دادگاه کیفری بین‌المللی داشته باشد. چنان‌که در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ دولت فلسطین در رابطه با وقایع غزه، به صورت موردی، از دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی چنین درخواستی را کرده بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵). به کار بستن این راه‌حل، با توجه به تزلزل قابل ملاحظه دولت یمن، در حال حاضر امکان پذیر نیست بلکه می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد برای آینده و در زمان استقرار و ثبات دولت یمن پذیرفته شود (زمانی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، کشورهای عضو ملل متحد می‌توانند بر اساس اصل صلاحیت جهانی یا صلاحیت همگانی، جرایم مهم بین‌المللی را که جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت نیز جزء آن می‌باشند مورد پیگرد جزایی و حقوقی قرار دهند. موضوعی که رسیدگی به پرونده سران عربستان را می‌تواند در آینده هموار سازد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای ۲۰۱۲ خود و صدور حکم تعقیب و محاکمه حسن هابره^۱ رئیس جمهور سابق چاد از سوی دولت سنگال، زمینه را برای اعمال صلاحیت محاکم نسبت به همه متهمان به ارتکاب جرایم شدید بین‌المللی صرف نظر از مقام و منصبشان فراهم کرده است (Mezyaev, 2012: 1). در صورتی که سران دولت کنونی در دادگاه‌های داخلی سایر دولت‌ها به سبب اعمال ارتکاب یافته در زمان تصدی سمت خود، تحت تعقیب کیفری قرار بگیرند از مصونیت از تعقیب برخوردار می‌باشند. این موضوع نیز نه در راستای بی‌کیفر ماندن آنها، بلکه برای انجام بهتر امور دولت و صرفاً عاملی برای به تعویق افتادن رسیدگی تا پایان دوره تصدی است (تاجائی و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۴: ۶۰).

¹ Hissen Habre

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عربستان سعودی، حقوق اساسی مردم یمن، در تعیین سرنوشت خود را نادیده گرفته است و با دولت‌های دست‌نشانده‌ی خود، در یمن همکاری و از آن‌ها حمایت کرده است. اصلی که تجاوز به یمن را مخدوش و غیرمشروع می‌نماید، بند ۱ ماده ۵۳ منشور است که کشورها را ملزم می‌کند، برای انجام هر عملیاتی علیه یکدیگر، باید نخست از شورای امنیت مجوز کسب نمایند. اما مقامات سعودی به هیچ وجه چنین اقدامی نکرده‌اند که مخالفتی آشکار با منشور ملل متحد است. از سوی دیگر، یکی از اصول شناخته‌شده حقوق بین‌المللی عرفی، که منشور ملل متحد نیز بر آن تاکید کرده، اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها است. سازمان ملل متحد علاوه بر بند ۷ ماده ۲ منشور، در قطعنامه‌های متعددی به تبیین این اصل پرداخته است که تجاوز نظامی ریاض در مغایرت با این اصل قرار دارد. اقدامات سعودی‌ها، در یمن از منظر حقوق بین‌الملل در قالب ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت قابل بررسی و پیگیری است. جنایاتی که هم‌اکنون ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی در یمن انجام می‌دهد، مشمول مسئولیت بین‌المللی است و سران و عاملان آن دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند. عربستان سعودی - مطابق ماده ۴۰ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها - مرتکب نقض جدی تعهدات ناشی از نقض قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام و دارای مسئولیت بین‌المللی است. به نظر می‌رسد مخاصمه یمن عملاً به مخاصمه‌ای بین‌المللی بدل شده است. آنچه واقع شده نقض حاکمیت یمن و تجاوز به تمامیت ارضی آن و اخلال در حق تعیین سرنوشت ملت یمن و نقض مکرر اصول، قوانین و عرف‌های بین‌المللی بشردوستانه است که مغایر با اهداف و مقاصد ملل متحد است. بنابراین لازم است شورای امنیت در روندی صحیح به موضوع بپردازد و از اعمال رویه‌های متناقض و رفتارهای دوگانه بپرهیزد و در چارچوب منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بکوشد. در این بین، نقش دولت‌های

اسلامی و سایر کشورها می‌تواند تاثیرگذار باشد. آنان می‌توانند به واسطه استنادات حقوقی و گزارش‌ها، شورای امنیت را مجاب یا با استفاده از فشار افکار عمومی مجبور کنند، قطعنامه‌ای برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در یمن تصویب کند و این موضوع را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع نماید. از این گذشته در آینده، دولت یمن این حق را خواهد داشت که علیه دولت عربستان سعودی در دادگاه‌های بین‌المللی احقاق حق کند. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که عربستان سعودی در ابعاد مختلف، قواعد حقوق بین‌الملل را در یمن نقض کرده است. از این رو اهمیت دارد در رسانه‌های برون‌مرزی با رویکرد حقوقی نیز به این موضوع پرداخته شود. از این نظر پیشنهاد‌های ذیل قابل طرح می‌باشند:

- آگاه‌سازی افکار عمومی از ابعاد و عمق جنایات عربستان سعودی و هم‌پیمانانش در یمن با بررسی این جنایات از منظر حقوق بین‌الملل.
- بررسی رویکرد رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال تحولات یمن و چرایی سکوت و وارونه جلوه دادن حقایق یمن در این رسانه‌ها.
- تبیین نقش منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی یمن در آغاز حمله نظامی عربستان سعودی به یمن و نامشروع بودن جایگاه وی از منظر حقوق داخلی یمن و حقوق بین‌الملل.
- تشریح مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی و دولت‌های ائتلاف در حمله به یمن و مسئولیت کیفری سران آنها بویژه محمد بن سلمان.
- واکاوی مسئولیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در قبال جنایات یمن و بررسی مقایسه‌ای تصمیمات سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت در جنایات مشابه گذشته.
- بررسی محکومیت مرتکبان جنایات مشابه در سایر کشورها در مراجع قضایی بین‌المللی نظیر دیوان کیفری بین‌المللی و چرایی برخوردهای تبعیض‌آمیز در مورد یمن.

- تبیین راهکارهای پیگیری حقوق مردم یمن در مراجع بین‌المللی از زبان حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی
- تولید برنامه‌های کارشناس محور با رویکرد حقوقی و با هدف تبیین ابعاد و مصادیق نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی توسط عربستان سعودی در یمن

منابع

الف) فارسی

- آقایی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی حمله عربستان به یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940410001313>
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۶۸)، «کشتار جمعی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره یازدهم، صص ۷۲-۳۳.
- ایرنا (۱۳۹۶)، «برنامه جهانی غذا: عربستان باید نیازهای انسانی مردم یمن را تامین کند»، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82655097>
- بهمن تاجانی، شهرام و میرفلاح نصیری، سیده ندا (۱۳۹۴)، «مبانی و آثار تغییر رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در الغای مصونیت کیفری سران دولت‌ها در قضیه حسن هابره»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۷)، «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات برضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱، صص ۱۰۴-۶۹.
- جلال‌وند، مریم (۱۳۹۵)، «جرائم ارتكابی ائتلاف عربی به رهبری عربستان در یمن»، قابل دسترسی در:

<https://ir.sputniknews.com/opinion/201611071971399>

- خالقی، علی و جاویدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «رویکرد قضایی سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌کشی»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۲۲۲-۲۰۴.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵)، «واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت» تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۸، شماره ۵۱.
- دهدشتی اردکانی، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی حقوقی جرایم جنگی ائتلاف سعودی در یمن»، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/13950227001626>
- سیدزاده ثانی، سیدمهدی و فرهادی آلاشتی، زهرا (۱۳۹۳)، «جنایات جنگی در منازعه‌های داخلی و بین‌المللی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- عمادی، سیدرضی (۱۳۹۶)، «ابعاد حقوقی نسل‌کشی در یمن توسط عربستان»، شورای راهبردی روابط خارجی، قابل دسترسی در: www.scfr.ir/fa
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵)، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱.
- سلیمان‌زاده، احمدرضا (۱۳۹۳)، «مسئولیت بین‌المللی دولت»، پژوهشکده باقرالعلوم، قابل دسترسی در: http://www.pajoohe.ir/_a-31774.aspx
- عزیزی، ستار و کریمی، سیامک (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن»، فصلنامه پژوهش حقوقی، شماره ۵۱.

- ستاد حقوق بشر ایران (۱۳۹۵)، «بررسی جنایات جنگی عربستان در یمن از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، قابل دسترسی در: <http://www.humanrights-iran.ir/news-53208.aspx>
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۹۴)، «بررسی مشروعیت مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۷.
- مستقیمی، بهرام و طارمی، مسعود (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت با تجاوز عراق به ایران (زیرنظر جمشید ممتاز)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۴)، «مفهوم کاربرد زور در طرح جدید اصلاحات سازمان ملل متحد، ابهامات و تعارضات»، مطالعات بین‌المللی، شماره ۶.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۸)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۵)، «ابعاد حقوقی جنایات آل سعود در یمن»، قابل دسترسی در: <http://jamejamonline.ir/online/2576007582711698124>
- نجات، سیدعلی، موسوی، سیده‌راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۳.
- والر، مارک (۱۳۹۴)، حمله به داعش، جنبه‌های حقوقی استفاده از زور (ترجمه فائقه دلاوری)، قابل دسترسی در:
- www.Internationallaw.ir/index.php?option=com_content&view/article&id=391: 2015 03-16
- یورونیوز (۲۰۱۷)، «یمن؛ وبا در انتظار آنها که از سوء تغذیه جان بدر می‌برند»، قابل دسترسی در: <http://fa.euronews.com/2017/08/02/>

ب) انگلیسی

- Cassese, A (2002), **The rome statute of the international criminal court: a commentary**, Volume I, Oxford university press, first published.
- Dormann, k & Doswald-Beck, L & Kolb, R (2003), **Element of war crimes under the Rome statute of the international criminal cour: sources and commentary**, Cambridge university press, first published.
- Gray, Christine (2006), The Eritrea/Ethiopia Claims Commission Oversteps Its Boundaries: A Partial Award? , **EJIL**, Vol. 17, No. 4.
- Harris, D.J., (1998), **Cases and Materials on International law**, Fifth Edition, Sweet and Maxwell.
- Heathcote, Gina, (2012), **The Law on the Use of Force, A Feminist Analysis**, Rutledge Research in International Law.
- Human Rights Watch (2015), **World Report 2015: Yemen**, available to: www.hrw.org/world-report/2015/country-chapters/yemen
- ICJ report (1996), **Case Concerning Application of the Convantion on the Prevetion and punishment of ihe Crime of genocide** (Bosnia and Herzegovinav.Yugoslavia) Preliminary Objections iudgmnt of 11 july 1996.
- **International Law Commission** (2001), Yearbook, 2001, vol. II.
- Jackson, Miles (2015), **Complicity in International Law**, New York, Oxford University Press.
- Lanovoy, Vladyslav (2014), **Complicity in an Internationally Wrongful Act**". In Nollkaemper, Andre; Plakokefalos, Ilias, **Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art**", UK, Cambridge University Press.
- MacLeod, I.J & A.P.V. Rogers (2007), The Use of White Phosphorus and Law of War , in **Yearbook of International Humanitarian Law**, Hague, ASSER Press.
- Mezyaev, Alexander (2012), **Hissen Habre trial: Extradite or prosecute**, available to: http://www.Strategic_Culture.org
- Monitor Mines Action Canada (2009), **Banning Cluster Munitions: Government Policy and Practice**, Ottawa, Monitor Mines Action Canada.

- Nollkaemper Andre (2003), **Concurrence between Individual Responsibility and State Responsibility in International law**”, International and Comparative Law Quarterly, Vol. 52.
- Schmitt, Eric. (2010), Unrest in Yemen Seen as Opening to Qaeda Branch , **The New York Times**, 4 April, available to: <http://www.Nytimes.Com/2011/04/05/World/ Middleeast>.
- Stock, Christian (2011), “Mandate is not Enough the Security Council and Peacekeeping”, **UN Security Council in Focus**.
- The Constitution of the Republic of Yemen** (2001), Amended via a Public Referendum ° held on February 20, 2001.
- UN Conference on International Organization (1945), **The Charter of the United Nations**, came into force on 24 October 1945, available to: <http://www.un.org/en/charter-united-nations/index.html>
- UN General Assembly (1998), **Rome Statute of the International Criminal Court** (last amended 2010), 17 July 1998, ISBN No. 92-9227-227-6, available at: <http://www.refworld.org/docid/3ae6b3a84.html> [accessed 12 December 2017]
- United nations** (2015), "Resolution 2216", available to: <http://www.un.org/en/ga/search/view-doc.asp?symbol=s/res/2216%282015%29>
- **UN General Assembly** (1987), Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations (A/42/766)//18.November.1987, available to: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/42/22
- UN** (2017), UN agency chiefs call for immediate lifting of humanitarian blockade in Yemen, available to: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=58101&Kw1=david+beasley&Kw2=yemen&Kw3=#.Wit9t2cnYdU>.
- UN news** (2017), International, independent probe of alleged violations in Yemen needed ° UN deputy rights chief, available to: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=56415&Kw1=yemen&Kw2=&Kw3>